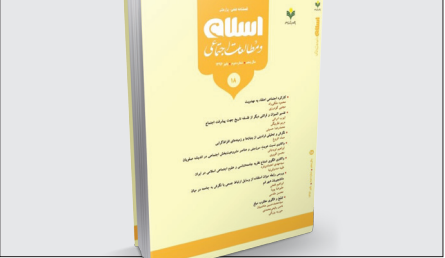




فصلنامه اسلام و مطالعات

اجتماعی در ایستگاه دوم

شماره دوم فصلنامه علمی- پژوهشی «اسلام و مطالعات اجتماعی» ویژه پاییز ۱۳۹۶ با مدیرمسئولی نجف لکزایی و دبیری حمید پارسانیا در ۲۰۵ صفحه از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر شده است. نصرا... آقاجانی، نصرا... حسین‌زاده، محمود رجبی، سیدعباس صالحی، حسن غفاری‌فر، حسین کجوییان، نعمت‌ا... کرم‌اللهی و شمس‌ا... مریجی اعضای هیات تحریریه این فصلنامه را تشکیل می‌دهند.



فراستخواه کتاب

احسان نراقی را نقد می‌کند

نشست نقد و بررسی کتاب «آزادی، حق و عدالت» نوشته احسان نراقی با حضور مسعود فراستخواه برگزار خواهد شد. علاقمندان برای حضور در این مراسم می‌توانند یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۶ ساعت ۱۷ تا ۱۹ به‌نشانی بزرگراه جلال آل‌احمد، پل گیشا، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، نیم طبقه اول، سالن کنفرانس انجمن جامعه‌شناسی ایران مراجعه کنند.



معرفی کتاب «پارادایم؛ افسانه یا واقعیت؟»

پناه بردن از نسبیت علم به فلسفه



عموما فرض می‌شود که علم امری رو به پیشرفت است و با پیشرفت آن، حقیقت آشکارتر می‌شود. تبیین‌های جدیدتر از علم البته با این تلقی سازگار نیستند و یکی از کسانی که این تلقی از علم را به چالش کشیده و تلاش کرده سیر تحول علم را توضیح دهد، تامس کوهن است. کوهن برای نشان دادن تغییرات اساسی در سیر علم، واژه «انقلاب» را استعمال کرده است.

موضوع انقلاب‌های علمی خصوصا پس از تبیین تامس کوهن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی (۱۹۷۰) از نظر فلسفی اهمیت پیدا کرده است. این امر که آیا انقلاب‌هایی در معنایی که کوهن مراد کرده، رخ داده‌اند یا خیر، محل مناقشه است. این امر نیز که انقلاب کوهنی دقیقا چیست یا چه خواهد بود مورد مناقشه است. اما بیشتر تحلیل‌گران اتفاق نظر دارند که تحولات علمی دگرگون‌کننده‌ای از انواع مختلف -چه در معنای کوهنی و چه غیر از آن- روی داده‌اند. وقوع انقلاب‌های علمی و چپستی آنها، موضوعی است که مجموعه بزرگی از پرسش‌های بنیادین را در باب علوم و نحوه تفسیر از آنها پدیدآورده است. عمده‌آن است که شرح کوهن از انقلاب‌های علمی، تصور دوره روشنگری از علم را که در آن علوم و تکنولوژی، جامعه را در پیشرفت به سوی حقیقت پیش می‌برند، به چالش می‌کشد.

گرچه با تبیین کوهن از علم، شأن اساطیری و مرجعیت علم، متزلزل می‌شود اما این نسبی‌انگاری و عدم اطلاق، آیا فقط در علم است و آیا می‌توان مبنای مطلقی در معرفت جست‌وجو کرد؟ طبیعا با مرجع شدن علم و انحصار معرفت به «کارایی» و اهمیت ابزاری علم برای تصرف در عالم، فلسفه و سایر

انحای معرفت از نظر دور افتاده و جایگاه سابق خود را از دست داده‌اند، چرا که فلسفه شأن ابزاری نداشته و به تغییر و تصرف در جهان کمکی نمی‌کرده است. اما با تزلزل در ساختار علم و اختلاف بین‌تئوری‌های علمی و خارج شدن تئوری‌ها از شمول عام و محدود شدن تئوری‌ها به قلمروهای خاص، طی همین مسیر، بعضی اهل فلسفه نیز بر آن شده‌اند که فلسفه را در خدمت علم درآورند و به این ترتیب فلسفه به بحث از علم و روش علمی تحویل پیدا کرده است. به این ترتیب معرفت؛ چه در دوره علمی و چه در دوره تزلزل علم، مورد غفلت مضاعف قرار گرفت و پرداختن به پرسش‌های معرفتی، به تبع کانت (که بحث از خدا، نفس و جهان را

در مابعدالطبیعه و فلسفه، بی‌وجه‌ویی نتیجه‌واحکام این سه را antinomy و جدلی‌الطرفین می‌دانست) بی‌خود و بی‌جهت اعلام می‌شد.

اما بالاخره تکلیف معرفت چیست و آیا با منتفی کردن معرفت، به‌طور کلی باید قائل به نسبیت شد و هر نحو ادعای معرفتی را باید به رسمیت شناخت؟ کتاب «پارادایم»، افسانه یا واقعیت» به این مطلب می‌پردازد. نویسنده بر آن است که مباحث فرامعرفت‌شناختی بر مباحث معرفت‌شناختی مقدم است و از این باب می‌توان به بحث از پارادایم ورود کرد.

نویسنده ابتدا به معنای پارادایم می‌پردازد. کاربرد واژه پارادایم در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی با ابهام همراه است. به روشنی مشخص نیست که مقصود کوهن از این واژه، الگو و سرمشق است یا اصول کلی و عام و همین ابهام منشأ نقد‌های بسیاری بر او شده است. مارگارت مسترمن مدعی است که کوهن در کتاب

ساختار انقلاب‌های علمی، پارادایم را در ۲۲ معنای متفاوت و متمایز به کار برده است. کوهن اما در واکنش به نقدها یادآور شد که پارادایم در بیشتر مواضع کتاب، تنها در دو معنای متفاوت به کار رفته است:

۱- مجموعه‌ای از اعتقادات، ارزش‌ها، روش‌ها و فنون و چیزهای دیگر مانند آنها که اعضای یک جامعه علمی در آن شریکند.

۲- سرمشق یا الگو که بر جزئی از مجموعه پیش‌گفته اشاره‌دارد؛ جزئی که سرمشق است و می‌تواند به حل مسائل باقی‌مانده علم کمک کند.

از پی‌نوشت کوهن بر کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی» چنین‌برمی‌آید که معنای اول‌امی‌توان جامعه‌شناختی و معنای دوم یعنی سرمشق و الگو را می‌توان فلسفی به‌شمار آورد. کوهن بر آن است که سوءفهم‌هایی که کتاب ساختار انقلاب‌های علمی برانگیخته، از این معنای دوم ناشی شده است.

غیر از ابهام در مدلول لفظ «پارادایم» که کوهن سعی کرد با برشمردن دو دلالت آن را برطرف سازد، همچنان ابهامی در کار است. ابهام دیگر آن است که پارادایم در معنای نخست «ساختار ذهنی» و از لوازم ذات ذهن و فکر است یا «مبنا». آشکار است که میان «مبنا» یا «چارچوب ذهنی» بودن پارادایم، تفاوت فاحشی وجود دارد. اگر پارادایم را چارچوب ذهنی در نظر آوریم مراد آن است که قالب‌هایی بر فکر حاکم است که نمی‌توان از آنها فراتر رفت و از تسلط‌شان خارج شد و آزاد از آن قالب‌ها نمی‌شود تفکر و اندیشه داشت. اما چنانچه منظور از پارادایم را «مبنا» در نظر آوریم، نتیجه آن می‌شود که با مبانی مختلفی مواجهیم و این مبانی قابل اخذ و ترک هستند. اگر این معنا از پارادایم

را بپذیریم، با این پرسش مواجه خواهیم شد که آیا برای اخذ یک مبنا، معیار و دلیلی داریم یا خیر. یعنی می‌توان مبنایی را از میان مبانی مختلف برگزید. از آنجا که هیچ ترجیحی بی‌جهت و بی‌وجه نمی‌شود(یا به عبارت دیگر ترجیح بالا‌مرج محال است)، پس میان مبانی مختلف باید قائل به مرجعی برای قضاوت شد و در باب جهت‌های مختلف ترجیح، داوری و قضاوت کرد. در اینجا‌شان و مقام فلسفه مجدداً آشکار و نیاز به آن احیا می‌شود، که از آن با عنوان «فرامعرفت‌شناسی» یاد شده است.

نویسنده بر آن است که گرچه در بادی امر و بر پایه شواهدی ممکن است به نظر برسد که پارادایم به معنای «چارچوب‌های ذهنی»، «معرفت‌شناختی» و «هستی‌شناختی» و... نیست، با نگاهی فراگیر به دعاوی کوهن و سبیری همه‌جانبه در گفته‌ها و اظهارات وی به این نتیجه‌دست می‌یابیم که چنین معنایی مورد نظر اوست. نویسنده بر آن است که اندیشه کوهن در باب پارادایم به معنای چارچوب‌های ذهنی بر دیدگاه وینگشتاین متاخر مبتنی است بلکه برگرفته از بازی‌های زبانی است. از این باب نقدهایی که بر وینگشتاین و بازی‌های زبانی وارد است را قابل تسری به‌نظر کوهن نیز می‌دانم از جمله نقدهایی که بر این دیدگاه وارد است را چنین برمی‌شمرم:

۱- بسته شدن باب گفت‌وگو، بحث، انتقال پیام‌ها و اطلاعات.
۲- انکار فهم مشترک به دلیل فقدان واژه‌ها و مفاهیم مشترک و در نتیجه قائل شدن به بی‌فایده‌گی سخن گفتن، نوشتن، پیام‌رساندن و...

واضح است که طبیعتا این امور را بی‌فایده و عبث تلقی نمی‌کنیم و کارکرد این امور نیز نشان می‌دهند که چنین مدعایاتی برخلاف واقعیت‌های موجود است. افزون بر آن، نگرش مورد اشاره، خودشکن و خودمتناقض نیز هست و اصل بحث نظری و دفاع از موضع نظری را منتفی می‌کند.

به این ترتیب، کتاب بر آن است که نظر کوهن در باب علم را به‌نحو تصحیح شده می‌توان پذیرفت؛ نه در کل. نویسنده در باب مناط صدق و ربط آن با علم، در باب تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعت و ریاضی و نیز در باب مواجهات انتقادی یا تفسیری با کوهن و کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی» مطالبی به‌طور آگاهانه آورده است که خواندن آن برای اهل علم و متعاطیان فلسفه، اگر نه حل همه مسائل، لاقال راهگشای طرح دقیق‌تر مطالب مربوط به چپستی علم (به صورت کلی) و نظر کوهن در باب علم (به نحو خاص) خواهد بود.

کتاب «پارادایم؛ افسانه یا واقعیت» تألیف حسن‌الاسلام محمد حسین‌زاده به همت انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، در ۲۱۴ صفحه و با قیمت ۹۶۰۰۰ ریال، منتشر و روانه بازار کتاب شده است. نویسنده در فصل اول کتاب به «تحلیل معناشناختی، خاستگاه و ارزیابی» می‌پردازد. در فصل دوم، «پارادایم یا مبنا، امکان، گونه‌ها و نقش آنها در معرفت» را تشریح می‌کند و «مبانی معرفت‌شناختی روش تحقیق از نگاه برگزیده» و «برآیند روش‌های برآمده از آنها» را در بخش سوم تبیین می‌کند.

درس گفتار بازخوانی

نظریه هنر والتر بنیامین

هشتمین درس گفتار از «سلسله درس گفتارهای تخصصی نظریه و نقد هنر» با عنوان «هنر مدرن و مدرنیسم؛ بازخوانی نظریه هنر والتر بنیامین» برگزار می‌شود. این درس گفتار با سخنرانی نیر طه‌وری، استادیار دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، دوشنبه ۳۰ بهمن ماه ۹۶، ساعت ۱۵ تا ۱۷ در سالن همایش‌های فرهنگستان هنر، به نشانی خیابان ولیعصر، نر سیده به چهارراه قالقانی، شماره ۱۵۵۲ برگزار می‌شود.



حکمت مشرقی

شیخ‌الرئیس

نشست فلسفی «ابن سینا و حکمت مشرقی» با موضوع انتقال مرکزیت فلسفه و علوم عقلی از یغداد به اصفهان، در شهر اصفهان برگزار می‌شود. در این نشست قاسم پورحسن و حسین کلباسی اساتید دانشگاه علامه طباطبائی، حامد ناجی استاد دانشگاه اصفهان و حجت‌الاسلام مجید هادی‌زاده استاد حوزه و دانشگاه حضور دارند. این نشست پنجشنبه ۳۶ بهمن از ساعت ۱۴ تا ۱۷ در خانه حکمت برگزار خواهد شد.



رسول جعفریان در نشست «تمدن اسلامی؛ چیستی و امکان»:

چرا «گفتمان تمدن»

در دوره جدید تاریخ ایران شکل گرفت؟



جعفریان با اشاره به شکسته شدن این موج پس از چند دهه، دلایلی را برای بازگشت دین به صحنه با دعوی اداره جامعه و تمدن سازی برمی‌شمارد. به اعتقاد او، ۱- با آمدن مظاهری از تمدن جدید در جهان اسلام، مشکلات حل نشد و این نشان شکست تمدن جدید تلقی شد، ۲- در غرب، دو جنگ جهانی سبب سرخوردگی دیگران از تمدن غرب شد و ۳- برآمدن مارکسیسم و تردیدی که در اعتبار جهان جدید ایجاد کرده بود، عاملی دیگر برای سرخوردگی بود.

این استاد دانشگاه مصر، شبه‌قاره و ایران را از مراکز اصلی شیوع بحث از تمدن و دین در جهان اسلام می‌داند و در ادامه با اشاره به مصرف‌کننده بودن ایران در تولیدات فکری حول این مسأله اضافه می‌کند: «مصر سابقه ۲۰۰ ساله در روشنفکری دینی و مباحث نوگرایانه دارد. شبه‌قاره هم سابقه‌ای در برین داشت و در جریان اختلافات میان مسلمانان و انگلیسی‌ها مباحثی از این دست مطرح شده است. مباحث طرح شده در مصر و شبه‌قاره به ایران منتقل می‌شد. مایخس مهمی از مباحث مربوط به حوزه «تمدن و دین» را از نهضت ترجمه آثار عربی به فارسی طی نیم قرن، شاید هم اندکی بیشتر به دست آورده‌ایم». جعفریان در پایان با اشاره به

کانون گفتمان تمدن دینی در داخل کشور، چهار گروه اصلی و سرمدار نقد غرب را چنین برمی‌شمارد: ۱- روشنفکران شمالی جریان‌هایی مانند آل‌احمد، شادامان و حتی احمد کسروی، ۲- طرز فکر حاکم بر دربار و جناح فرح با مدیریت دکتر نصر که اساس تمدن جدید را زیر سوال برده است، ۳- حمله روحانیون به مظاهر فساد، استعمار و جنبه‌های دیگری از غرب و ۴- مارکسیست‌ها که آنها هم غرب را به عنوان سرمایه‌داری

مورد حمله قرار داده و سخت به مظاهر فرهنگی آن حمله می‌کردند. جعفریان در پایان نقب‌زدن به گذشته و «تاریخ» را به عنوان الگوی جاننشین و سرمایه اصلی جریان دینی منتقد غرب عنوان می‌کند و البته می‌افزاید که این روش مورد استفاده چندین جناح بود؛ یکی از مهم‌ترین آنها، یافته‌های خود غربی‌ها از تمدن اسلامی یا غربی که به این منابع خودی همیشه از آنها استفاده می‌کردند. در این زمینه، کتابی مثل تمدن اسلام و عرب از گوستاو لوبون نهایت اهمیت یافت و در اواخر دوره رضاشاه به فارسی ترجمه و منتشر شد. دوم روش مورخان ایرانی از میان دوره قاجار است، که به این انگیزه یا انگیزه‌های ناسیونالیستی ملی، شروع به نقب‌زدن به تاریخ کردند. در این زمینه هم کارهای غربی‌ها در باره کشف دوره‌های باستانی به تدریج درخشش پیدا کرد و بیشتر ما را نسبت به خودم مبتهج کرد، در حالی که ربطی به حال ما نداشت. سوم مصلحان دینی بودند که بازگشت به اسلام اولیه و سلف را توصیه می‌کردند و توجیه آنها این بود که اسلام چنین و چنان بوده و بعدا از مسیر اصلی منحرف شده است.



گفته‌ها

فرهیختگان رسول جعفریان استاد دانشگاه تهران و پژوهشگر حوزه تاریخ و نویسنده کتاب‌هایی از جمله «تاریخ تشیع»، «تاریخ ایران اسلامی» و «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی، سیاسی ایران» که در حال حاضر مدیریت کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را برعهده دارد، در نشست «چیستی و عنوان «تمدن اسلامی؛ چیستی و امکان» که در مشهد برگزار شد به بحث درباره «گفتمان تمدن» پرداخته است. جعفریان با بیان اینکه پیش از اینکه درباره مفهوم، معنا و تعریف و لوازم تمدن بحث کنم با رویکردی تاریخی و از این دریچه به این موضوع وارد خواهم شد، با طرح این سوال که اساسا چرا «گفتمان تمدن» در دوره جدید تاریخ ایران شکل گرفته در حالی که پیش از آن در دوره‌های صفویه، افشاریه، زندیه و حتی قاجار سخنی از آن به میان نبوده است، می‌گوید: «این پرسش جواب چندان دشواری ندارد. همه‌مآمی دانیم مواجهه‌شدن ایران با غرب و «تفاوت» و «فاصله» ای که میان این دو وجود داشت، سبب سوالات و ابهاماتی شد که در نهایت برای پاسخگویی به آنها این گفتمان شکل گرفت.»

استاد دانشگاه تهران در ادامه با بیان اینکه گفتمان تمدن صورت ویژه‌ای برای متدینان داشت و پرسش از رابطه و نسبت تمدن با دین، به عنوان پرسش اصلی مطرح بود، اضافه می‌کند: «تمدن جدید در فرنگ، با محدود کردن دین تولید شده بود و به همین خاطر از نخستین روزهای ورود فرهنگ غرب به ایران، این مسأله مطرح شد که علم و دین با هم ناسازگار هستند و اساس این بحث هم تجربه فرنگ بود.» به عقیده جعفریان پاسخ به این پرسش اصلی که دین چه جایگاهی در تمدن

دارد در چند محور مورد توجه قرار گرفت و برخی در قالب تاریخ تمدن و روشن کردن نقش دین در آن، برخی در ارائه تبیین جدیدی از دین که بتواند نقش بهتری را در تمدن بر عهده گیرد و برخی نیز در قالب نقد مطالبی که دیگران علیه برداشت‌های رایج از دین در ضدیت با تمدن نوشته‌اند به دنبال طرح پاسخی برای این سوال اصلی بوده‌اند. رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در ادامه می‌گوید: «به جز اینها، در موارد مختلف و جاهایی که به‌صورت مستقیم به این بحث پرداخته نشده، موارد تمدنی درج شده است. مثلا در تاریخ‌نویسی معاصر ایران، کتاب پاسخ‌ی برای این سوال «تألیف حجت‌الاسلام محمد حسین‌زاده به همت انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، در ۲۱۴ صفحه و با قیمت ۹۶۰۰۰ ریال، منتشر و روانه بازار کتاب شده است. نویسنده در فصل اول کتاب به «تحلیل معناشناختی، خاستگاه و ارزیابی» می‌پردازد. در فصل دوم، «پارادایم یا مبنا، امکان، گونه‌ها و نقش آنها در معرفت» را تشریح می‌کند و «مبانی معرفت‌شناختی روش تحقیق از نگاه برگزیده» و «برآیند روش‌های برآمده از آنها» را در بخش سوم تبیین می‌کند.

به عقیده جعفریان پاسخ به این پرسش اصلی که دین چه جایگاهی در تمدن دارد در چند محور مورد توجه قرار گرفت و برخی در ارائه تبیین جدیدی از دین که بتواند نقش بهتری را در تمدن بر عهده گیرد و برخی نیز در قالب نقد مطالبی که دیگران علیه برداشت‌های رایج از دین در ضدیت با تمدن نوشته‌اند به دنبال طرح پاسخی برای این سوال اصلی بوده‌اند